

نقل قول

تنهایی آدم‌ها

جزو دغدغه‌های اصلی‌ام است

ایپنا: شهره سلطانی درباره تجربه اجرای نمایش «آشپز خانه و متعلقات» گفت: این نمایشنامه را رامین ناصر نصیر به من معرفی کرد که مترجمان خوب و حرفه‌ای است. نمایشنامه در نگاه اول به ظاهر سطحی می‌آید ولی در واقع عمیق است. خیلی از بزرگان هم گفته‌اند پیچیدگی به سادگی است. قصه در ظاهر ساده به نظر می‌رسد ولی کاملاً با روابط پیچیده طرف هستیم. آدم‌های نمایش شخصیت‌های پیچیده‌ای دارند و هر کدام دارای ویژگی‌های خاصی هستند. هیچ کدام از شخصیت‌های نمایش بد نیستند. چیزی که همیشه برام مهم بوده و شاید ترغیم کند نمایشنامه‌های اینچنینی را انتخاب کنم بخشی است که به روابط و تنهایی آدم‌ها برمی‌گردد. آدم‌ها شاید در عین اینکه آدم‌های امروزی تنها هستند و حسرت‌هایی را با خودشان حمل می‌کنند که این حسرت‌ها همیشه با آنها باقی می‌ماند. شاید به روی خودشان نیاورند ولی حسرت زندگی دیگری را می‌خورند بدون اینکه از زندگی دیگری خبر داشته باشند. ارتباط و تنهایی آدم‌ها جزو دغدغه‌های اصلی من برای انتخاب نمایشنامه‌هایم است. در نمایش قبلی‌ام هم این موضوعات لحاظ شده بود. فکر می‌کنم تمام نمایشنامه‌هایی که من انتخاب می‌کنم روحیه من را نشان می‌دهد.



می‌خواستیم دشمنی صهیونیست‌ها را در «ناریا» نشان دهیم

باشگاه خبرنگاران جوان- حمید رسول پورهدایتی، فیلمنامه‌نویس سریال «ناریا» درباره سوژه و داستان فیلم گفت: سریال «ناریا» با الهام از یک داستان واقعی بوده است و نه بر اساس آن. یعنی شخصیت اصلی داستان به نام «هوژان»، دختر نخبه ایرانی واقعی است، ولی حواشی و اتفاقاتی که در اطراف او می‌افتد، مبتنی بر درام است، اما اینکه گروهی از خلافکاران سعی در نفوذ داشتند، صحت دارد. ما می‌خواستیم نشان دهیم رژیم‌صهیونیستی دشمنی خود را چگونه ابراز می‌کند، اما بخشی از دشمنی رژیم‌صهیونیستی مبتنی بر درام است. سامان صفاری قربات سامان در عین اینکه کارش را انجام می‌دهد، علاقه‌مند هم می‌شود. او هم می‌خواهد شیطان باشد، هم انسان. معمولاً ایرانیان خارج از کشور فکر می‌کنند ما در حوزه دانش خیلی عقب‌مانده هستیم، در صورتی که اینگونه نیست. این هجمه‌ای که در حوزه جاسوسی صنعتی، جاسوسی علمی، خرابکاری‌های صنعتی، شکار دانشمندان ایرانی و بسترسازی برای مهاجرت نخبه‌های ایرانی به راه افتاده، نشان می‌دهد ایران در نقشه علمی جهان در نقطه بسیار مهم ایستاده است. اگر خبری در این مملکت نبود، چرا آنقدر دشمنی تک‌م می‌شود؟ باید در سر تاسر جهان گفته شود که اتفاقاً در ایران کلی خبر وجود دارد، ولی ما مجبوریم کلی از این اتفاقات را در خفا انجام دهیم، چون تحت دشمنی مستقیم قرار داریم. یکی از رویکردهای رژیم‌صهیونیستی اقدام به ترور است. نه تنها در حوزه هسته‌ای بلکه در حوزه علمی شاهد ترور در این زمینه هستیم.

دستمزد‌ها در شأن بازیگران پیشکسوت نیست

تسنیم: رضا قیاضی با اشاره به وضعیت بد دستمزد بازیگران پیشکسوت و مقایسه آن با ستاره‌های جوان اظهار کرد؛ واقعیت این است که وضعیت پرداخت‌ها همیشه وحشتناک بوده است. ما بعدعی زیاده‌دیده‌ایم. بارها پیش آمده قرار داد امضا کرد‌ام اما نسخه‌ای از آن به من نداد‌اند. یک بر که ساده باید باشد اما نیست! مخصوصاً در پروژه‌های پلتفرمی، موردی داشتیم که قرار داد را نداد‌ه بودند و در پایان کار، پرداخت را بر اساس روز حساب کردند، در حالی که ما بر اساس ماه قرار داد بسته بودیم. من در این حرفه هم سفید کرده‌ام، اما وقتی دستمزد مرا با دستمزد یک سوپر استار مقایسه می‌کنم، شاید حتی به ۱۰ درصد آن هم نرسد! نگاه می‌کنم به هم‌سلان و جایگاه‌های مشابه، واقعاً تفاوت‌ها زمین تا آسمان است. الان سینمای ایران در گیر تر کیب‌های تکرراری از بازیگران شده و بازیگران مثل من که تجربه و توانایی داریم، به راحتی کنار گذاشته می‌شویم. برای «ژی‌زی گولو» ۱۵۰ هزار تومان گرفتیم و زندگی‌ام راحت بود، اما حالا با وجود رقم‌های میلیاردری برای برخی، رقم‌هایی که به من پیشنهاد می‌شود، واقعاً ناچیز است، نه استناددار یک آرتیست است و نه در شأن کسی با این سابقه. آثار چخوف را در تئاتر کار کرده‌ام، سال‌هایی که تئاتر کار می‌کردم برای برخی، نمایشنامه‌های زیادی نوشتم، اما الان جرئت اجرای آنها را ندارم. باید خواهش کنم فلان بازیگر بیاید بازی کند، با منت، نمایشنامه‌هایم خاک می‌خورند و واقعاً آرزو دارم یک روز آنها را به صحنه بیاورم.

سپیده شریعت‌رضوی

قربان نجفی، بازیگر پُر کار سینما و تلویزیون در اولین تجربه کارگردانی خود سراغ ساخت فیلمی اجتماعی رفته است با نام «فصل ماهی سفید». این اثر که محصول سال ۱۳۹۸ است، به فاصله چهار سال در سال ۱۴۰۲ اکران شده و هم‌اکنون به اکران آنلاین رسیده است. این هنرمند در نخستین اثر سینمایی خود سراغ اقتباسی آزاد از یاغ آلبالوی آنتوان چخوف رفته و در خلاصه داستان آن آمده است: «یک خانواده درگیر مشکلات بسیاری است و برای حل این مشکلات از روش‌هایی استفاده می‌کند که سرانجام مشخص ندارد.» اکران آنلاین این اثر فرصتی شد تا با قربان نجفی، کارگردان درباره فاصله بین ساخت تا اکران عمومی و آنلاین، اقتباس از آثار کلاسیک و دلیل پربازیکر بودن فیلم به گفت‌وگو بنشینیم.

فاصله بین تولید و اکران «فصل ماهی سفید» چهار سال به طول انجامید و حتی با فاصله به اکران آنلاین رسید. به چه دلیل این اتفاق افتاد؟

وضعیت پیش از اکران فیلم «فصل ماهی سفید» بیشتر به یک تراژدی شبیه بود. متأسفانه به دلیل مشکلات اقتصادی که پس از تولید این اثر پیش آمد، پیش تولید به تعویق افتاد و یک سال طول کشید تا کار را آماده کنیم. پس از آن اتفاقات دیگری رخ داد که باعث تأخیر در نمایش عمومی این اثر شد. به عنوان مثال وقتی قرار شد این اثر را تابستان به اکران برسانیم، تقریباً یک هفته بعد از آن شیوع ویروس کرونا اعلام شد. اکران «فصل ماهی سفید» هم متأسفانه به تراژدی دوم تبدیل شد. این اثر همزمان با آثار کمدی روی پرده رفت که صاحبان بسیار پر قدرت و پر ضرب و زور داشتند و سانس‌های کمی در سینماهای بعضاً دورافتاده به ما تعلق گرفت. مضاف بر این تبلیغات خاصی نیز نتوانستیم انجام دهیم و سلاطین نقد و نظر تغییر کرده و به سمت کمدی رفته بود. من معتقدم در این مواقع باید ارگان یا رسانه‌ای مانند تلویزیون و حتی دولت از فیلم اجتماعی حمایت کند که این اتفاق رخ نداد و فیلم به اصطلاح کوبیده شد. ما یک اکران مردمی در شیراز داشتیم اما اجازه ندادند عوامل در سینما حاضر شوند و ما در پارکینگ سینما ماندیم تا اکران تمام شد. این اتفاق تاکنون در اکران مردمی رخ نداده است و این اولین بار بود که در نهایت من نیز متوجه این اتفاقات و دلیل آن نشدم. برای اکران آنلاین نیز باید کمی منتظر می‌ماندیم تا اتفاق بیفتد که اکنون در فیلمیو رخ داده است.

این اثر اقتباسی است آزاد از آخرین اثر آنتوان چخوف یعنی «باغ آلبالو»، چه شد که اقتباس سینمایی «باغ آلبالو» را محور این فیلم قرار دادید؟

من فارغ‌التحصیل رشته تئاتر هستم و از آنجا که با فضای نمایشنامه‌ها کلاسیک آشنا بودم، باعث شد اقتباسی از اثر چخوف برای ساخت یک‌اثر سینمایی داشته باشم. ناگفته نماند که من معادل نقشی که محمدرضا فروتن در این اثر سینمایی ایفا می‌کند، روی صحنه تئاتر بازی کردم. قصه از جایی شروع شد که طر حی نوشتیم با موضوع تبدیل شالیزارهای شمال به ساختمان و تغییر کاربری که اتفاق افتاده است. پس از آن به این فکر کردم که طرح در قالب «باغ آلبالو» جامی گیرد و سپس ایده‌ام را عملی کردم. شاید به همین دلیل و به زعم دوستان موفق از آب درآمده است.

«فصل ماهی سفید» در فصل‌هایی از فیلم‌کند می‌شود و ارتباط مخاطب با اثر رو به ضعف می‌رود، البته این‌کندی ریتیم چندان نیست که تماشا می‌فیلم را تا پایان نتوان تحمل نکرد. چرا این اتفاق رخ داده است؟

واقعیت این است که این موضوع را خیلی قبول ندارم و این مسئله به سلاطین و عادت تماشاگر به اکران پر سانس، تقریباً یک هفته بعد از آن شیوع ویروس کرونا اعلام شد. اکران «فصل ماهی سفید» هم متأسفانه به تراژدی دوم تبدیل شد. این اثر همزمان با آثار کمدی روی پرده رفت که صاحبان بسیار پر قدرت و پر ضرب و زور داشتند و سانس‌های کمی در سینماهای بعضاً دورافتاده به ما تعلق گرفت. مضاف بر این تبلیغات خاصی نیز نتوانستیم انجام دهیم و سلاطین نقد و نظر تغییر کرده و به سمت کمدی رفته بود. من معتقدم در این مواقع باید ارگان یا رسانه‌ای مانند تلویزیون و حتی دولت از فیلم اجتماعی حمایت کند که این اتفاق رخ نداد و فیلم به اصطلاح کوبیده شد. ما یک اکران مردمی در شیراز داشتیم اما اجازه ندادند عوامل در سینما حاضر شوند و ما در پارکینگ سینما ماندیم تا اکران تمام شد. این اتفاق تاکنون در اکران مردمی رخ نداده است و این اولین بار بود که در نهایت من نیز متوجه این اتفاقات و دلیل آن نشدم. برای اکران آنلاین نیز باید کمی منتظر می‌ماندیم تا اتفاق بیفتد که اکنون در فیلمیو رخ داده است.

حضور شخصیت‌های زیاد در سینما، زده رفتن روی لبه تیغ است و احتمال سطحی شدن شخصیت‌ها را دارد. به نظر می‌آید تعداد افراد بازیگر، بیشتر مناسب سریال است که فرصت کافی برای پرداختن به هر یک از آنها باشد. حضور شخصیت‌های بسیار بر قاب تصویر باعث



گفت‌وگوی «جوان» با «قربان نجفی» به مناسبت اکران آنلاین تازه‌ترین فیلمش

«فصل ماهی سفید» را با اقتباس از «باغ آلبالو» ساختم

متأسفانه در شرایط فعلی سینمای بدنه و سینمای اجتماعی ما بسیار آسیب دیده که این شرایط باید مجدد تعریف شود و گر نه سرمایه بسیار عظیمی را از دست خواهیم داد



ما در «فصل ماهی سفید» به شخصیت‌هایی پرداختیم که سرنوشت‌شان به یکدیگر گره خورده است و به نوعی این اتفاق سرنوشت همه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باید تعریفی برای‌شان داشته باشیم، به همین دلیل من تلاش کردم شخصیت‌ها در قصه سرراجمی داشته باشند و مخاطب بداند که در آینده احتمالاً برای شخصیت چه اتفاقی رخ خواهد داد

نگاه‌ها سینما را قشنگ‌تر می‌کند. مهم‌ترین فاکتور فیلم «فصل ماهی سفید» برای جذب مخاطب چیست؟ قصه این اثر بسیار نوستالژیک است و اگر تماشاگر به عمق ماجرا برود، بسیار برایش آشنا و ملموس خواهد بود. تصور من این است که اگر تماشاگر حوصله کند و فیلم را تا آخر ببیند، احساس نزدیکی با فیلم خواهد داشت. ماهی سفید» به تناسیب قصه انتخاب می‌شوند و اساساً از نظر من نیازی نیست که قصه همه شخصیت‌ها را تعریف کنیم، اما ما در «فصل ماهی سفید» به شخصیت‌هایی پرداختیم که سرنوشت‌شان به یکدیگر گره خورده است و به نوعی این اتفاق سرنوشت همه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باید تعریفی برای‌شان داشته باشیم، به همین دلیل من تلاش کردم شخصیت‌ها در قصه سرانجامی داشته باشند و مخاطب بداند که در آینده احتمالاً برای شخصیت چه اتفاقی رخ خواهد داد. در حقیقت در این اثر سینمایی شخصیت بی‌تعریف نمانده است. تصور می‌کنم اگر تماشاگر «فصل ماهی سفید» را با تمرکز کامل ببیند، با تک‌تک شخصیت‌هایش همذات‌پنداری خواهد کرد. چه میزان از قصه به نوع روایت شخصی شما از سینما بازمی‌گردد؟ فیلم دوم بسیار راحت می‌توان با ایشان کار کرد اما ما تا جایی که می‌شد باهم تعامل داشتیم و بسیار خوب باهم کنار آمدیم و این فیلم را به سرانجام رساندیم. اگر بخواهید از مخاطب دعوت کنید، این اثر را تماشا کنید، چه دلایلی را ذکر می‌کنید؟ وظیفه هر فردی است که فیلم‌های سینمایی اجتماعی و جدی را دنبال کند، نه برای خود فیلم و فیلمسازش بلکه به خاطر خودش. هر فیلم سینمایی نکته‌ای برای یاد گرفتن دارد؛ از دیالوگ‌هایش گرفته تا حرف فیلم و تصویر. فیلم سینمایی مانند یک دانشگاه است و فیلمساز شبیه معلم که وظیفه‌اش آموزش در قصه است، بنابراین از نظر من هر کس نیاز دارد به مدرسه برود و چیزهایی را آموزش ببیند. ما هم به عنوان فیلمساز وظیفه داریم فیلم‌ها را ببینیم و مواردی را یاد بگیریم. «فصل ماهی سفید» اثری است که ارزش دیدن دارد و حتی ارزش دیدن دوباره آن.

بخش‌هایی از کتاب «غرور و تعصب» جین آستین

اگر قرار باشد یک خصوصیت را در آدمیزاد نام ببریم که واقعاً شگفت‌انگیزتر از هر خصوصیت دیگری باشد، به نظر من همان حافظه و خاطره است. قدرتها، ضعف‌ها و نابرابری‌های حافظه از هر چیز دیگری در ما غیرقابل درک‌تر است. حافظه گاهی خیلی قدرتمند است، قوی سوراخ آدم می‌آید، گوش به فرمان است... گاهی گنج و سرگشته و خیلی ضعیف... در مواقعی هم خودش و غیرقابل مهار!... ما آدم‌ها هر لحاظ معجزه خلق هستیم... اما قوه یادآوری و فراموشی، دیگر واقعاً غیرقابل درک است.

هیچ چیز به پای خوش‌قلبی نمی‌رسد، هیچ چیز وجود ندارد که بشود با خوش‌قلبی مقایسه کرد. گرمای باطن و صفای دل، آن‌هم با رفتار محبت‌آمیز و بی‌غل و غش، صدبرابر هوش و فهم ارزش دارد و لطف جاذبه‌اش از هر چیز دیگر عالم بیشتر است. همین صفای دل است که باعث می‌شود آدم محبوب همه باشد، در دل همه جا باز کند. این‌طور آدم‌ها را نمی‌توان با تیزبین‌ترین و صاحب‌نظرترین آدم هم عوض کرد.

بازی لاله مرزبان در «آبان»؛ کمدی یا تر آزدی؟

مرزبان از همان نخستین قسمت‌های سریال نتوانست به شکلی طبیعی بازی کند. ایفای نقش زنی نخبه و مادری دلسوز چیزی نبود که مرزبان بتواند به خوبی از پس آن برآید



■ **احمد محمد تبریزی**
سریال «آبان» پیش از شروع حول محور تبلیغات عجیب و غریبی می‌چرخید. کانال‌های تلگرامی سینمایی و پیج‌های اینستاگرامی فضای تبلیغاتی عجیبی برای این سریال ایجاد کرده بودند تا افراد بیشتری را ترغیب به تماشای سریال کنند. پس از پخش سریال، باز هم نوبت به تعریف و تمجیدهای اغراق‌شده از راه رسید و حتی نقدهای مثبت از سریال به رسانه‌های رسمی هم راه پیدا کرد. گذشت چهار پنج قسمت ابتدایی کافی بود تا مشخص شود «آبان» که با بهره گرفتن از داستانی غیرمنطقی و منطق‌روایی ضعیف، چیز خاصی برای عرضه ندارد. گذشت چندین قسمت از سریال، سبب شد این بار به جای تعریف، مخاطبان گاف‌ها و ضعف‌های سریال را در شبکه‌های اجتماعی بازنشر کنند. یکی از پراثراترین بخش‌های سریال به بازی لاله مرزبان در نقش اصلی سریال برمی‌گردد که این روزها صحنه‌های غش و گریه کرندش در شبکه‌های اجتماعی وایرال شده است.

■ **فرصت‌سوزی مرزبان**
در همان قسمت‌های اول سریال، رسانه‌ها نقدهای اغراق‌گونه زیادی از بازی لاله مرزبان ارائه دادند و بازی او را شبیه شگفتی قلمداد کردند، مثلاً اینکه اینگونه تعریف و تمجیدهای بیجا و پراغراق در شبکه نمایش خانگی رایج شده است و بخشی از کمپین‌های تبلیغاتی پلتفرم‌ها برای بیشتر دیده شدن اثرشان به حساب می‌آید. لاله مرزبان تا پیش از «آبان» در فیلم‌هایی مثل «هیس! دخترها فریاد نمی‌زنند»، «بی‌همه چیز» و «نگهبان شب» بازی کرده بود که بیش از همه بازی‌اش در «نگهبان شب» به چشم آمده بود. او در فیلم رضا میرکمیی در نقش دختری کر و لال بازی می‌کند و اتفاقاً بازی به اندازه و خوبی را هم ارائه می‌دهد.

مرزبان با پیشینه‌ای سینمایی که بیشتر نقش‌هایش هم نقش مکمل و فرعی بوده به شبکه نمایش خانگی آمد تا نقش اصلی سریالی پربازیکر را صاحب شود. به نظر می‌رسد مشکل اصلی هم برای مرزبان از همین جا شروع شد. انگار او برای کم نیاورند جلوی بازیگران باسابقه و سرشناسی مثل شهاب حسینی و امین حیایی مجبور شده از خود واقعی‌اش فاصله بگیرد و تلاش زیادی برای خوب نشان دادن خودش بکند، اما این تلاش بیپهوه بدتر نتیجه عکس داده و باعث ضعف‌تر شدن بازی‌اش شده است.

■ **بازی مصنوعی مرزبان**
مرزبان از همان نخستین قسمت‌های سریال، نتوانست به شکلی طبیعی بازی کند. ایفای نقش زنی نخبه و مادری دلسوز چیزی نبود که مرزبان بتواند به خوبی از پس آن برآید. بازی مصنوعی و اغزج‌ه مرزبان پس از گذشت چند قسمت اول حسایی به چشم آمد و در ادامه دیگر توی ذوق زد.

این بازیگر ۳۱ساله برای درآوردن بعضی صحنه‌ها تلاش زیادی برای خوب نشان دادن خودش انجام می‌داد و همین باعث می‌شد بازی‌اش حالتی طبیعی نداشته باشد. بازی خارج از کنترل مرزبان پس از مدتی خبری از آن همه هیاهو نیست. سریال «آبان» تبدیل شد، البته در این بد بودن، همه چیز تقصیر مرزبان نیست و باید رضا دادویی، کارگردان سریال را هم مقصر دانست. به هر حال مسئولیت اصلی هدایت و به قاعده بازی کردن بازیگران بر عهده کارگردان است و هنر اصلی کارگردان تفهیم نقش و هدایت درست بازیگر است. رضا دادویی که پیش از «آبان» در فضای تئاتر کار کرده‌است، آشنایی زیادی با فضای سینما و سریال ندارد و اگر بازیگران دیگر سرایش شهاب حسینی و امین حیایی نبودند، شاید ضعف در بازی آنها هم دیده می‌شد.

■ **رفتن به سمت ابتدال**
سریال «آبان» با هیاهو و سروصدا زیادی پخش شد و این روزها که ۱۵قسمت از آن به پخش رسیده است، دیگر خبری از آن همه هیاهو نیست. سریال «آبان» که قرار بود اتفاقی ویژه در شبکه نمایش خانگی باشد، خیلی زود به حاشیه رفت و حالا فقط ضعف‌هایش در شبکه‌های اجتماعی دیده می‌شود.

تجربه «آبان» نشان داد خیلی نباید به نقدها و تعریف‌های فضای مجازی اعتماد کرد و سریال اگر واقعاً در همه ابعاد خوب باشد، راه خودش را بین مردم پیدا می‌کند، دقیقاً شبیه اتفاقی که برای سریال خوش‌ساخت و خوب «در انتهای شب» افتاد؛ سریالی هشت قسمتی که بدون ادا و شلوغ‌کاری آمد حرفش را زد و به یکی از سریال‌های ماندگار و تماشایی شبکه نمایش خانگی تبدیل شد.

نحوه بیان داستان در فیلم و سریال مهم است و نگاه ساده‌لوحانه به موضوعات و شخصیت‌ها می‌تواند یک اثر را به ابتدال بکشاند. این اتفاقی است که برای «آبان» افتاد و سریال را از مدار اصلی‌اش خارج کرد. در فضای این روزهای شبکه نمایش خانگی، داستان و نحوه بیان قصه حرف اصلی را می‌زند. غیر از این تلاش‌های بیپهوه دیگر برآی دیده شدن جواب نمی‌دهد و اثر را به بیراهه می‌برد.

قاپ هنر

طرح: رضا جنگی